

بازتاب

نشریه رائد

ویژه نامه بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ
شماره ۴۰ | محرم ۱۴۰۵



آنچه پیش روی شماست، ثمره هم‌افزایی،
دغدغه‌مندی و تلاش گروهی از اعضای بنیاد
شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ است که با دغدغه فعالیت در
عرصه فرهنگ و اندیشه، به ثمر نشست است.

- تولید محتوا و نگارش: واحد نگارش کمیته تولید محتوا
- معاونت پژوهش بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ
- طراحی و صفحه‌آرایی: کمیته گرافیک
- معاونت رسانه بنیاد شهید پالیزوانی رحمۃ اللہ علیہ

بزرگ‌ترین هراسِ اصحابِ عشق این بود که یک نفس بعد از امامشان زنده بمانند و غریبی او را تماشا کنند. آن‌ها با سر به پیشواز شمشیرها رفتند تا مبادا تلخ‌ترین لحظه‌ی تاریخ رقم بخورد و به جای فدا کردن جان، مجبور شوند با قدِ خمیده بر پیکرِ غرق به خونِ رهبر و مقتدایشان نمازِ اشک بخوانند... و ما خمیدیم و نماز خواندیم و خود را تشییع کردیم

فاستقم

هندسه‌ی صبوری

مؤلفه‌های بنیادین پایداری و استقامت

بنای سترگ صبر و استقامت در رویارویی با دشواری‌ها، رویدادی تصادفی یا هیجانی زودگذر نیست؛ بلکه عمارتی است که بر پایه‌های مستحکم آگاهی، تمایل قلبی و التزام عملی استوار می‌گردد.

امشب، هندسه‌ی این فضیلت را در سه‌ساحت بنیادین بازخوانی می‌کنیم.

۱. ساحت شناخت: معماری باورها

ایجاد شکیبایی در گام نخست، مستلزم باوری عمیق و شناختی روشن از قواعد هستی است. پایه‌های این شناخت عبارتند از:

باور به حاکمیت و سنت‌های الهی: پذیرش این حقیقت یقین به قدرت مطلق خداوند: درک این معنا که در برابر عظمت او، سایر قدرت‌ها رنگ می‌بازند و همه‌چیز در سیطره‌ی اوست.

شناخت ماهیت عالم و قضا و قدر: آگاهی از قواعد بنیادین جهان هستی که مانع از خستگی، گله‌مندی و تزلزل روح در برابر ناملازمات می‌گردد.

اعتقاد به معاد و فرجام کار: اطمینان از این که عدالت نهایی محقق شده و ستمکاران به سزای اعمال خویش خواهند رسید.

میوه‌های این شناخت، شگرف و تحول‌آفرین است. با این باورها، دل برای رویارویی با کارزارهای سخت آماده شده و ترس از غیر خدا فرو می‌ریزد. در نتیجه، هیبت مشکلات در چشم انسان کوچک شده و میل به دستیابی به اهداف والا با تکیه بر امدادهای غیبی شعله ور می‌گردد.

۲. ساحت گرایش: تمنای قلب

برای آن که پایداری در وجود آدمی ریشه بدواند، قلب نیز باید به سوی انواری متمایل گردد. مهم‌ترین ارکان این ساحت عبارتند از:

توکل: تکیه بر خداوند، ریشه‌ی اصلی استقامت است. کسی که به پروردگار خویش توکل کند، سختی‌ها بر او هموار شده و مغلوب نخواهد شد.

امید: میان امید و استقامت، پیوندی دوسویه برقرار است. امید به قطعیت تحقق وعده‌های الهی، نیرو محرکه‌ای است که روح را در برابر تندبادهای استوار نگاه می‌دارد.

۳. ساحت رفتار: تجلی‌گاه اراده و عمل

پازل پایداری، پس از «دانستن» (شناخت) و «خواستن» (گرایش)، با عرصه‌ی عمل تکمیل می‌گردد. برای آن که صبر از مقامِ نظر فراتر رفته و در وجود انسان نهادینه و سرریز شود (أَفْرِغْ عَلَيْنَا صَبْرًا)، نیازمند بازوهای قدرتمند رفتاری است که در غایت «اطاعت محض» خود را نشان می‌دهند:

تعبد (پذیرش حقیقت): تسلیم بودن در برابر پروردگار و پذیرش بی‌چون و چرای مقدرات و فرامین الهی.

تنسک (التزام عملی): جامه‌ی عمل پوشاندن به همان فرامینی که در مقام بندگی و تعبد پذیرفته شده‌اند.

بندگی خدا به جای بندگی نفس: قرار دادن خواست و اراده‌ی الهی به عنوان ملاک عمل، نه تمایلات و هواهای نفسانی گذرا.

پرهیز از تجرّی و توقف در شبهات: دوری از گستاخی و بی‌پروایی، و توقف مؤمن پایداری به محض نزدیک شدن به محدوده‌ی شبهات جهت حفظ حریم شکنی.

حُسن انقیاد: فرمان‌برداری خالصانه، به گونه‌ای که انسان تنها به انجام تکلیف چشم بدوزد و در پی رضایت پروردگار باشد.

شکیبایی راستین، سکونی منفعلانه در برابر جبر زمانه نیست؛ بلکه حرکتی هدفمند و پویاست که از زلال شناخت آغاز می‌شود، در عمق جان ریشه می‌دواند و در نهایت، به مثابه‌ی تسلیم و اطاعتی عاشقانه در شاکله‌ی رفتار انسانی تجلی می‌یابد.

به ادامه این مطلب خواهیم پرداخت.



سپندار

هر غروب که خورشید در پهنه دریای جنوب به سرخی می نشیند
یادآور سرخی خون دلاورانی از این خطه است که
برای صیانت از دین و وطن، جان شیرین خود را در طبق اخلاص گذاشتند
و مصداق آیهی "من المؤمنین رجال صدقوا ما عاهدوا الله علیه" بودند،
شیرمردانی چون علی تنگسیری که میراثدار استکبارستیزی رئیسعلی دلواری بود
و در هنگامه‌ای که کهن سرزمین ایران آماج حملات گرگ صفتان قرار گرفت با تکیه بر ایمان،
تدبیر و غیرت ایرانی خویش با رمز "یا فاطمة الزهرا" نبض تنگه هرمرزا بدست گرفت و نفس
دشمن را به شماره انداخت.
آری، او معمار امنیت خلیج فارس بود و شیطان صفتان که وجود مردان خدا را بر نمی تابند
ششمین فرمانده نیروی دریایی سپاه را در ششمین روز از بهار به شهادت رساندند.
اگر چه جسم خسته اما با صلابت وی در خاک تفتیده جنوب آرمید اما امواج دریا نامش را تا
ابد فریاد خواهند زد و تاریخ نشان خواهد داد که این سرزمین تنگسیری کم ندارد.

عکس‌های سال گذشته را که ورق می‌زنم، انگار دوباره به همان نظم و وقار برمی‌گردم. نگاهم روی چهره مهمان‌هایی می‌لغزد که شانه به شانه نشسته‌اند و بعد به قامت خادم‌هایی می‌رسد که با نهایت ادب، آرام ایستاده‌اند. این زیبایی اتفاقی نیست؛ این نظم، حاصل روزهای پنهان تلاش خادمان است که با عشق، مسیر میزبانی از مهمانان ابا عبدالله را هموار کرده‌اند.

امسال، به خاطر دخترکم، نتوانستم مثل همیشه از ابتدای آماده‌سازی در جمع خادمان باشم؛ اما دلم برای همان همه‌همه و برای آدم‌هایی که هر سال با خاطره‌ای تازه به این جمع می‌آیند، تنگ شده است. حسنی را آماده می‌کنم تا با هم راهی فاطمیه شویم. طبق برنامه، امروز نوبت آماده سازی محیط است.

وقتی به فاطمیه می‌رسیم، اولین چیزی که توجهم را جلب می‌کند، جریان پیوسته کارهاست. خادمان آقا در گوشه‌ای مشغول جابه‌جایی وسایل و اسپیس‌های جدیدند و صدای «یا علی» گفتنشان ریشه همه این تلاش‌ها را به یاد می‌آورد.

دست حسنی را می‌گیرم و با هم به طبقه‌ای می‌رویم که حسینیۀ کودک در آن برپاست. با دیدن فضا، ذوق روی صورتش می‌نشیند و با شوق دست‌های کوچکش را به هم می‌زند. این جا هم کم کم دارد جان می‌گیرد. دخترکم را به خادمان کودک می‌سپارم و خودم به صحن اصلی برمی‌گردم. همه چیز از قبل تقسیم شده است؛ کافی است خودت را به سهم خادمی‌ات برسانی.

ابتدای ورود به صحن بانوان، میزی قرار دارد که روی آن نوشته‌اند: «میز روابط عمومی» این میز پلی میان مهمانان و بنیاد شهید پالیزوانی (ره) است.

یکی از خادمان با دقت مشغول بریدن حاشیه‌های تصویر روی دیوار است. این تصویر بوی شرحی هرمرز و خاک میناب می‌دهد. از همان جا تا قاب عکس شهید پالیزوانی (ره) و شهید مطهری (ره) روی میز، روایتگر روزهای سخت اما عزتمند این سرزمین است.

نزدیک‌تر که می‌شوم، برای آن‌که خستگی از تنش‌شان دربرود، می‌گویم: «کمیتۀ هنر گل کاشته، خداقوت.» با لبخندی پاسخم را می‌دهند.

در میانه صحن، خادمان محیط مشغول کارند؛ یکی جارو می‌کشد و چند دختر دیگر با دقت زمین را مرزبندی می‌کنند تا حریم هر مهمان حفظ شود.

دسته‌های گل سرخ و پارچه مشکی اتو شده را برمی‌دارم و به سمت جایگاهی می‌روم که قرار است از آن صدای مناجات و کلام وحی و آموزه‌های مقاومت و استقامت شنیده شود. صندلی سخنران را کمی جلو می‌کشم تا هم راستای میز کوچک کناری باشد. پارچه مشکی را روی میز پهن می‌کنم، گلدان را از آب پر می‌کنم و شاخه‌های گل سرخ را در آن می‌چینم.

کارم که تمام می‌شود، چند قدم عقب می‌روم تا همه چیز را در یک قاب ببینم. چشم‌هایم روی قاب دست‌ها مکث می‌کند. یک دست، روایتگر خونی است که تا آسمان بالا رفت؛ روایتگر مظلومیت. قاب دیگر، دستی را نشان می‌دهد با مشتی گره کرده؛ مشتی که این روزها با تمام قلب حسش می‌کنم، مشتی که جمله «یدالله فوق ایدیهم» را میان کتیبه معنا می‌کند؛ دستی که در برابر زورگویان مشت شده است.

تقریباً همه چیز آماده است

و هنر، مقاومت را فریاد می‌زند.



مقوله «حجاب» در روزگار ما بیش از آنکه صرفاً یک حکم فقهی و شرعی باشد، به یک نقطه تقابل تمدنی و یک مسئله عمیق فکری و اجتماعی تبدیل شده است. کتاب «مسئله حجاب» اثری مستدل، خوش‌خوان و متفاوت است که تلاش می‌کند از نگاه‌های سطحی، شعارزده و کلیشه‌ای عبور کرده و فلسفه پوشش را با زبانی منطقی و متناسب با نیازهای فکری امروز تبیین کند.

دکتر غلامی در این اثر، با رویکردی تحلیلی و جامعه‌شناختی، حجاب را نه به عنوان یک مانع، بلکه به مثابه سنگر صیانت از کرامت انسانی، حریم خانواده و سلامت روان جامعه معرفی می‌کند. این کتاب با گشودن گره‌های ذهنی و کالبدشکافی شبهات پرتکرار، به مخاطب ابزاری فکری می‌دهد تا بتواند در برابر هجمه‌های رسانه‌ای و جنگ‌های شناختی در حوزه هویت زن مسلمان، موضعی عقلانی، مستحکم و پیشرو داشته باشد.

مطالعه این کتاب به تمامی خوانندگان دغدغه‌مند نشریه «رائد» که به دنبال درکی عمیق‌تر از مبانی دینی خود هستند و می‌خواهند در گفتگوهای فرهنگی حضوری فعال، مسلط و مستدل داشته باشند، صمیمانه توصیه می‌شود. **«مسئله حجاب» اثری است که ذهن شما را برای دفاعی منطقی، آگاهانه و زیبا از این ارزش الهی مجهز می‌کند.**

جهت دسترسی
به مجموعه صوتی
رمزینه مقابل را
اسکن کنید



محرم ۱۴۰۵

دست‌رسی به صوت
و خلاصه سخنرانی
دهه سوم محرم
با موضوع «عزت دینی»



bonyad_shahidpalizvani



palizvani.ir